



امکان‌سنجی مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از دیون نهادها و مؤسسات دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی

محمد سهرابی^۱ ID، محمدجواد حسینی^۲ * ID، ولی‌الله حیدرنژاد ID

۱. کارشناسی ارشد فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد توپسرکان، همدان، ایران

۲. کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، حقوق دادرسی اداری دانشگاه

پیام نور، تهران، ایران

۳. دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: [10.22034/qjplk.2023.1703.1559](https://doi.org/10.22034/qjplk.2023.1703.1559)

چکیده

پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از جانب دولت به شهروندان در بسیاری از نظام‌های حقوقی پذیرفته شده و هرگاه از ناحیه فعل یا ترک فعل دولت خسارتی به شهروندان وارد شود دولت مکلف به جبران خسارت است. اما در نظام حقوقی ایران این امر با چالش‌ها و نادیده‌انگاری‌های فراوانی روبه‌روست و مطالبه خسارت و دریافت آن از دولت جایگاه مناسبی در سیستم قضایی و اداری کشور ندارد و قوانین و آرای صادره از برخی مراجع در سنوات اخیر بر عدم تحقق آن صحنه گذاشته است. در سنوات گذشته عدم پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به علت پایین بودن نرخ تورم اهمیت چندانی نداشته است. اما تحولات اقتصادی دهه اخیر و افزایش بی‌سابقه تورم و جهش چشمگیر قیمت‌ها بر اهمیت موضوع افزوده و اگر همچنان روال سابق ملاک کار باشد شهروندان با خسارات فراوانی مواجه خواهند شد. در این نوشتار، به شیوه توصیفی-تحلیلی و تدقیق در اصول مسلم حقوقی - مانند اصل تساوی اشخاص در برابر قانون، اصل انصاف، اصل عدم تبعیض، اصل لزوم جبران خسارت - به نقد رویه قضایی موجود و عدم پرداخت این خسارت از جانب دولت پرداخته شده و این عدم پرداخت به منزله عدم رعایت حقوق بنیادین شهروندان مورد کنکاش قرار گرفته است. **کلیدواژگان:** تساوی در برابر قانون، حقوق شهروندی، خسارت تأخیر تأدیه، دولت، عدم تبعیض، لزوم جبران خسارت.




کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، حقوق دادرسی اداری دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

* Email: hosseini.publiclaw69@gmail.com





Feasibility of Claiming Damages for Late Payment from the Debts of Government Institutions and Non-governmental Public Institutions

Mohammad Sohrabi ¹,  Mohammad Javad Hosseini ^{2*},  Valiullah Heydarnejad ³ 

1- Master of Jurisprudence and Law, Islamic Azad University, Tuiserkan branch, Hamedan, Iran.

2- MA in Public Law, College of Farabi, University of Tehran and Administrative proceeding law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

3- Ph.D in Public Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

DOI: [10.22034/qjplk.2023.1703.1559](https://doi.org/10.22034/qjplk.2023.1703.1559)

Abstract

Paying late payment damages by the government to citizens is accepted in many legal systems, and whenever damage is done to citizens due to the actions or omissions of the government, the government is obliged to compensate the damages. However, in the Iranian legal system, this issue has faced many challenges and demanding damages and receiving them from the government does not have a proper place in the judicial and administrative system of the country, and the laws and opinions issued by some authorities in recent years have confirmed its non-fulfillment. In the past years, the non-payment of late payment compensation was not very important due to the low inflation rate, but the economic developments of the last decade and the unprecedented increase in inflation and the significant jump in prices have added to the importance of the issue, and if the old routine continues, the citizens will face a lot of losses. In this paper, using a descriptive-analytical method, and scrutinizing manner, the legal principles such as the principle of equality of persons before the law, the principle of fairness, the principle of non-discrimination and the principle of the necessity of compensation, the existing judicial procedure and the non-payment of this damage by the government have been criticized and this lack of payment has been investigated as a violation of the fundamental rights of citizens.

Keywords

Late Payment Damages, Government, Citizen's Rights, Equality Before the Law, Non-Discrimination, Need for Compensation.

* Email: hosseini.publiclaw69@gmail.com (Corresponding Author)



مقدمه

التزام به جبران خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل دیگری با قصد و نیت اضرار به غیر یا بدون وجود هر گونه سوءنیت امری پذیرفته شده در نظام‌های حقوقی معاصر است و به هر حال خسارات وارده نباید بدون جبران باقی بماند. با پیشرفت جوامع و گسترده‌تر شدن دولت‌ها و روابط آنان با شهروندان، وقوع خسارت دیگر محدود به عملکرد شهروندان در برابر یک‌دیگر باقی نماند و باب حدوث خسارت از جانب دولت به شهروندان نیز گشوده شد و با افزایش مداخله دولت در اداره امور عمومی و گسترش کارویژه‌های آن و به دست گرفتن اداره جامعه در وجوه مختلف امکان ورود خسارت از ناحیه دولت به شهروندان گسترش یافت. از این منظر بسیاری از قوانین و مقررات برای حمایت از حقوق شهروندان و جلوگیری از یکه‌تازی دولت و نهادهای زیرمجموعه آن به حمایت هر چه بیشتر از حقوق مردم پرداختند و سخن از مسئولیت دولت در قبال اعمال خویش به میان آمد و اصل مسئولیت دولت، به منزله یک اصل مهم و قابل قبول، در بسیاری از نظام‌های حقوقی پذیرفته و در برخی اسناد حقوق بشری و بین‌المللی بر آن تأکید شد. در نظام حقوقی ایران نیز این مهم با تصویب قانون مسئولیت مدنی مورد پذیرش قرار گرفته و بر اساس آن مسئولیت دولت و کارکنانش در قبال اعمال زیان‌بار خود با جلوه‌ای خاص پذیرفته شده است. اما آنچه کمتر به آن توجه شده نحوه پرداخت و جبران خسارت است و این موضوع زمانی اهمیت بیشتر می‌یابد که جبران خسارت از سوی دولت مدت زمان زیادی می‌طلبد و چندین سال از زمان ورود خسارت تا زمان جبران آن می‌گذرد؛ به‌ویژه زمانی که جبران خسارت به صورت پرداخت نقدی است. زیرا نوسانات شدید اقتصادی چند سال اخیر منجر به کاهش ارزش ریالی پول کشور شده و وقفه طولانی در پرداخت خسارت نمی‌تواند همه خسارات وارده به اشخاص را جبران کند.

اخیراً در برخی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران تمهیداتی برای جبران خسارات وارده بر شهروندان از ناحیه دولت در نظر گرفته شده است. مثلاً در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بخش نظام پولی و بانکی و تأمین منابع مالی و در تبصره ماده ۱۰ راهکارهایی برای پرداخت خسارت تأخیر تأدیه بیان شده است؛^۱ اما این ماده و تبصره آن جبران‌کننده کامل خسارات وارده بر اشخاص در برابر دولت نیست. زیرا اولاً پرداخت این‌گونه خسارات بر اساس تبصره این ماده از زمان تصویب قانون

برنامه ششم توسعه قابل اجراست؛ اما همان‌طور که می‌دانیم دولت بدهی‌های فراوانی به اشخاص دارد که مربوط به قبل از تصویب این قانون است و اگر به این تبصره اکتفا شود جبران خسارت تأخیر تأدیه بدهی‌های قبلی دولت بلا تکلیف می‌ماند. ثانیاً ذیل تبصره به گونه‌ای نگاشته شده که گویی باید حتماً در بندی از قراردادهای منعقد شده میان دولت و اشخاص التزام دولت به پرداخت سود قید شده باشد و بدین ترتیب در مواردی که این بند قید نشده الزامی به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از جانب دولت نیست. ثالثاً میزان سودی که قانون‌گذار برای پرداخت خسارت تأخیر تأدیه در نظر گرفته جالب است؛ زیرا سودی معادل نرخ تورم تا حداکثر نرخ سود سپرده اعلام شده توسط بانک مرکزی قابل پرداخت است. حال، اگر میزان قرارداد منعقد دولت با اشخاص مبالغ بالایی باشد و میزان خسارت تأخیر تأدیه آن بالاتر از میزان نرخ سود اعلامی بانک مرکزی باشد، وضعیت مزاد بر میزان اعلامی چه می‌شود؟ آیا اشخاص حق برخورداری از مزاد آن را ندارند؟ اشکالات وارده بر این ماده قانونی و تبصره آن سبب می‌شود بسیاری از خسارات وارده بر اشخاص با شرایط مقرر شده بدون جبران باقی بماند یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت بخشی از آن‌ها جبران شود. از زاویه‌ای دیگر، عدم پرداخت به‌موقع سبب وقوع خسارت و نادیده‌انگاری حقوق شهروندان می‌شود که نیازمند تغییر رویکرد و رویه مراجع قضایی ایران است. از این منظر پرسش‌های اصلی این نوشتار بدین قرار است: آیا امکان پرداخت خسارت تأخیر تأدیه در حقوق موضوعه ایران وجود دارد؟ سازکارهای قانونی التزام دولت به جبران خسارت تأخیر تأدیه ناشی از اعمال خود در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟ التزام مراجع قضایی به محکوم کردن پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به نفع شهروندان به چه میزان است؟ پرداخت یا عدم پرداخت خسارت تأخیر تأدیه با حقوق مکتسب مردم و حقوق شهروندی چه ارتباطی دارد؟ این نوشتار به شیوه توصیفی-تحلیلی و انتقادی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در پی پیدایی پاسخ برای پرسش‌های مطروحه است. در مورد پیشینه بحث باید اذعان کرد مباحث کارشده درباره خسارت تأخیر تأدیه بیشتر به جنبه‌های فقهی پرداخته‌اند. مانند حرام یا حلال بودن دریافت خسارت تأخیر تأدیه، شباهت و تفاوت‌های آن با ربا، الزام یا عدم الزام به تأدیه آن توسط اشخاص، و موازینی از این قبیل. و بیشتر از منظر روابط خصوصی اشخاص به این مسئله نگاه شده و کمتر به مباحث الزام یا عدم الزام پرداخت آن از جانب دولت و تأثیری که در حقوق مکتسب افراد

دارد پرداخته شده است. از این منظر در این نوشتار سعی شده از منظر حقوق عمومی و موازین حقوق بشری، حقوق شهروندی، و فقه سیاسی موضوع مورد واکاوی بیشتر قرار گیرد.

۱. دولت و مسئولیت جبران خسارت

قدرت در دولت همزاد پیدایش دولت است و از زمان شکل‌گیری دولت‌های ابتدایی و اولیه داشتن توانایی تحت فرمان درآوردن دیگران و به اطاعت واداشتن مردمان قرین پدیده دولت بوده است و وجود آن بدون قدرت متصور نیست. هر چه قدرت دولت گسترش یابد به تبع آن دامنه اختیارات آن نیز گسترده‌تر و امکان سرکشی آن نیز بیشتر می‌شود. چون کسی را یارای هم‌وردی با او نیست. از همین منظر، با شکل‌گیری دولت‌ها، حاکمان در پی افزایش قدرت خویش و تسلط یافتن بر جان و مال زیردستان بوده‌اند. این وضعیت مردمان عادی جامعه و اندیشمندان و فلاسفه را مجبور به واکنش در برابر زیاده‌خواهی‌های دولت کرده و در اعصار گوناگون به طرق مختلف در برابر حکومت‌ها ایستاده‌اند تا از حقوق خویش دفاع کنند و سد راه ترک‌تازی حاکمان شوند. در این میانه اندیشمندان با ارائه نظریاتی مانند تقسیم و تفکیک قوا، حاکمیت قانون، نظارت سیاسی و قضایی بر دولت، دولت قانونمند، مسئولیت دولت، حقوق شهروندی، دموکراسی، و ... سعی در ایجاد مانع و محدود کردن قدرت دولت کرده‌اند و «ابزارهای حقوق اساسی ساخته و پرداخته شده‌اند تا مراقب دولت باشند و مقامات عمومی را کنترل و اقتدار آن‌ها را مهار نمایند» (هداوند، ۱۳۹۶: ۴۷۴). چون حقوق اساسی از لحاظ موضوعی بیشترین ارتباط را با دولت دارد و «محوری‌ترین موضوع حقوق اساسی تعدیل قدرت عمومی است» (امامی و موسوی، ۱۳۹۱: ۳۰). در دوران معاصر، به دلیل گسترده‌تر شدن دولت، نظارت بر آن مورد تدقیق و توجه بسیار قرار گرفته؛ اما برای اجرای هر چه بهتر و بیشتر این نظارت نیاز به ایجاد ضمانت اجراهای محکم و متقن است.

ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه به حکومت حق و عدل قرآن به حکومت جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند^۱ و برای دستیابی به عدالت و همچنین اجرای موازین اسلامی در جامعه به سمت تشکیل حکومت اسلامی شتافتند. چون «حکومت از دیدگاه اسلام برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست»^۲. بر این مبنا از همان ابتدای تشکیل حکومت اسلامی و آغاز تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نگاه اعضای مجلس مؤسسان قانون اساسی جدید مبتنی بر ایجاد محدودیت‌های قانونی برای جلوگیری از

خودسری‌های دولت بوده و به همین منظور با تعبیه راهکارهایی در قانون اساسی تلاش کرده‌اند مانع حاکمان شوند. در اصل ۲ قانون اساسی یکی از پایه‌های ایمانی نظام نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی بیان شده و یکی از راه‌های تحقق آن در اصل ۱۷۳ متبلور شده است که امکان تظلم‌خواهی علیه دولت و نهادهای حکومتی را در دیوان عدالت اداری می‌دهد. اصل ۱۷۱ نیز بیان داشته هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی شود، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌شود. این اصول قانون اساسی راه نظارت بر عملکرد دولت و نظارت و مطالبه خسارت از آن را گشوده است.

۱-۱. خسارت تأخیر تأدیه و حقوق شهروندی

خط گسست حکومت مردمی از حکومت استبدادی رعایت حقوق بنیادین و حقوق شهروندان در وجوه مختلف است که سبب تمایز این رژیم‌های سیاسی از یک‌دیگر می‌شود. هرچه حکومت همت بیشتری برای رعایت حقوق شهروندان و احترام به حقوق مکتسب ایشان بگذارد به تحقیق موازین حقوق‌بشری در آن جامعه بیشتر مورد احترام خواهند بود. دولت‌های امروزی برخلاف ادوار گذشته محدود به رعایت حقوق شهروندانند و دیگر مانند سنوات گذشته دارای ید مطلق در اداره امور جامعه نیستند و باید بر اساس قانون و موازین حقوق بشری به اداره جامعه بپردازند. از این منظر رعایت حقوق شهروندان از جمله مواردی است که تضمین‌کننده بقای حکومت‌ها تلقی می‌شود و در بسیاری از اعلامیه‌های حقوق بشری و قوانین اساسی بر آن تأکید شده است. در همه جوامع معاصر پذیرفته شده که هنگام ورود خسارت از جانب دولت این دولت است که باید به بهترین شکل ممکن به جبران خسارت زیان‌دیده بپردازد و خسارت تأخیر تأدیه نیز شامل آن می‌شود. این پرداخت خسارت ارتباط مستقیمی با حقوق شهروندی افراد دارد. مهم‌ترین وجوه حقوق شهروندی و موازین حقوق بشری که دولت را علاوه بر جبران خسارت ملزم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه می‌کند به قرار ذیل است:

۱-۲. اصل تساوی در برابر قانون^۴

تساوی افراد در برابر قانون و برابری ایشان با یکدیگر یکی از بن‌مایه‌های مهم حقوق بشر معاصر است و همهٔ افراد، جدا از ویژگی‌های ذاتی و ظاهری در برابر قانون، مساوی و دارای حقوق یکسان هستند. دولت در مقام یک شخص حقوقی و عالی‌ترین شخص حقوقی یک نظام سیاسی از این اصل مستثنی نیست و عدالت حکم می‌کند قانون در مورد این شخص حقوقی نیز همانند سایر اشخاص رعایت شود. هرچند به‌زعم عده‌ای دولت به سبب داشتن اقتدار و حاکمیت باید از چنان قدرتی برخوردار باشد که بتواند برای پیشبرد امور خود اعمال اقتدار کند، باید گفت اعمال اقتدار هیچ منافاتی با پرداخت خسارت یا خسارت تأخیر تأدیه به طرف مقابل ندارد. در نتیجه نمی‌توان صرفاً به اقتدار دولت برای ارائهٔ خدمات عمومی یا برقراری نظم عمومی استناد کرد و از این طریق به پایمال کردن حقوق شهروندان پرداخت. اگر دولت به سبب برقراری نظم عمومی یا ارائهٔ خدمات عمومی یا در قراردادهایی که برای اعمال تصدی‌گری خود دارد ضرری به شهروندان وارد کند اصل تساوی افراد در برابر قانون ایجاب می‌کند محاکم قضایی دولت را همانند سایر افراد در برابر قانون مساوی بدانند و او را ملزم به جبران خسارت به صورت کامل و به بهای عادلانه و به نرخ روز کنند. همان‌گونه که سایر اشخاص ملزم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه هستند دولت نیز باید ملزم به پرداخت آن باشد.

۳-۱. اصل عدم تبعیض^۵

یکی از اصول مسلم حقوقی که در بسیاری از اسناد حقوق بشری و قوانین اساسی به آن اشاره شده اصل عدم تبعیض است. یکی از اصول اساسی ارائهٔ خدمت توسط دولت نیز همین اصل است و باید همهٔ شهروندان در برابر دریافت خدمات دولت دارای برابری و حقوق یکسان باشند و میان آنان تبعیضی در کار نباشد. قانون اساسی در بند ۹ اصل ۳ یکی از وظایف دولت اسلامی را رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همهٔ شهروندان می‌داند. از این زاویه در جبران خسارت در رابطهٔ میان دولت و شهروندان نباید تبعیضی در مراجع قضایی برای دولت در نظر گرفته شود. چون دولت نیز همانند سایر اشخاص ملزم به جبران خسارات اعمال خود است و اگر تبعیضی بخواهد در نظر گرفته شود اتفاقاً باید برای شهروندان در نظر گرفته شود (تبعیض مثبت). چون در برابر دولت پر قدرت و ثروتمند و دارای امکانات قرار گرفته‌اند و امکان پایمال شدن حقوق آنان بیشتر است.

۱-۴. اصل انصاف و عدالت^۶

انصاف یکی از اصول مهم حقوقی است و همواره قرین و همنشین عدالت بوده و هست. اصل انصاف حکم می‌کند هیچ خسارتی بدون جبران باقی نماند و هر شخصی که به دیگری خسارتی وارد می‌کند مکلف به جبران آن به صورت کامل است تا حقوق از دست‌رفته فرد زیان‌دیده ترمیم شود. در حقوق اداری ایران، اصول انصاف و عدالت کمتر مورد توجه مراجع قضایی قرار گرفته است و در مباحث مربوط به جبران خسارات دولتی و مسئولیت مدنی دولت نیز این امر غالباً نادیده گرفته می‌شود. با نگاهی به قانون مسئولیت مدنی می‌توان ملاحظه کرد که این قانون اعمال دولت را به دو دسته اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری تقسیم کرده و اشعار داشته اگر دولت جهت اعمال حاکمیتی مرتکب وقوع خسارتی به افراد شود این خسارت قابل مطالبه نیست.^۷ با نگاهی به دامنه عملکرد دولت و همچنین صدر ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری^۸ می‌توان مشاهده کرد که بسیاری از اعمالی که دولت انجام می‌دهد جزء اعمال حاکمیتی است و بدین ترتیب دامنه اعمال تصدی‌گری دولت بسیار محدود است و از محدوده مطالبه خسارت شهروندان خارج است. به تحقیق، این امر دور از انصاف و عدالت است. چون بسیاری از اعمال دولت قابلیت شکایت و مطالبه خسارت نخواهند داشت.

۱-۵. اصل تساوی در تحمل هزینه‌های عمومی^۹

یکی از اصول مهم و پذیرفته‌شده در حقوق عمومی معاصر اصل تساوی در تحمل هزینه‌های عمومی است؛ با این توضیح که میان شهروندان در تحمل هزینه‌های عمومی نباید رجحان و برتری وجود داشته باشد و همان‌گونه که منافع عمومی باید به صورت مساوی میان شهروندان تقسیم شود ضرر و زیان‌های وارده بر ایشان نیز باید برای همه مساوی باشد و این دیدگاه ریشه در مکاتب مبتنی بر عدالت اجتماعی دارد. باید در نظر داشت در حال حاضر در مورد دولت و سازمان‌های عمومی ضرر و زیان‌های وارده از ناحیه شهروندان به صورت به‌روز محاسبه و دریافت می‌شود و اگر خسارتی از ناحیه مردم به سازمانی دولتی وارد شود مبنای پرداخت زمان جبران خسارت است نه زمان وقوع آن. همچنین بسیاری از دریافت‌های دولت نیز بر همین اساس است. در نتیجه زمانی که دولت ملزم به پرداخت خسارت است باید به نرخ روز این خسارت را پرداخت کند و هم دولت هم سایر شهروندان در تحمل هزینه‌های عمومی برابر باشند.

۲. دولت، خسارت تأخیر تأدیه و نوسانات اقتصادی

تورم و نوسانات اقتصادی شدید دهه اخیر ایران، که بسیاری از مراجع رسمی مانند بانک مرکزی نیز به آن اذعان کرده‌اند، سبب شده کالاها نسبت به سنوات اخیر افزایش چشمگیری داشته باشد و افزایش قیمت‌ها به صورت روزانه بر کالا و خدمات تحمیل شود و این امر ضرورت به‌روزرسانی مبلغ تعیین شده برای جبران خسارت (تأخیر تأدیه) را لاجرم می‌سازد. تأخیر تأدیه «مالی است که بابت ضرر وارده در نتیجه تأخیر در ادای دین از طرف مدیون به داین داده می‌شود. خسارت تأخیر تأدیه در مواردی که مورد تعهد تأدیه وجه نقد است در واقع جبران نقص ارزش پول است که در نتیجه تورم محقق می‌شود.» (پنج‌تنی، ۱۳۹۰: ۱۹).

دیوان عالی کشور در سال ۱۳۴۸ اقدام به صدور رأی وحدت رویه‌ای کرد که بر اساس آن در پرداخت حقوق کارکنان دولت نمی‌توان خسارت تأخیر تأدیه از دولت گرفت^۱ که امروزه برخی از مراجع قضایی از آن وحدت ملاک می‌گیرند و هنوز به آن استناد می‌کنند و از صدور رأی مبنی بر محکومیت دولت به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه خودداری می‌ورزند. این وحدت ملاک نامعقول است. چون رأی یادشده در برهه‌ای از زمان انشا شده که شاخص تورم کمتر از سه درصد بوده و در واقع قابل توجه نبوده و پول رایج کشور دارای ارزش تقریباً یکسان در سال‌های متمادی بوده است. علاوه بر این با مذاقه در متن رأی یادشده مشاهده می‌شود که هیچ‌گونه استدلالی برای تمایز میان اشخاص حقیقی و دولت به عنوان شخص حقوقی ارائه نشده است. با این تفاسیر، میزان پرداختی دولت به شهروندان یا کارکنان خود در صورت وقوع خسارت مبلغ قابل توجهی نیست و اختلاف ارزش ریالی پول پرداختی طی یکی دو سال منتهی به پرداخت خسارت تغییر چندانی نداشته است. اما در شرایط فعلی اقتصادی، که میزان تورم بالاست و نوسان قیمت در همه زمینه‌ها وجود دارد و بسامد تغییرات ریالی ارزش کالا و خدمات دارای جهش‌های فراوان است، نمی‌توان میزان خسارت تأخیر تأدیه در پرداخت‌های طولانی‌مدت دولت را نادیده انگاشت. همچنین باید در نظر داشت که رأی وحدت رویه یادشده با تصویب قانون جدید آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ نسخ شده است. چون این قانون امکان دریافت خسارت تأخیر تأدیه را به صورت مطلق پذیرفته و فرقی بین شخص حقیقی و حقوقی، چه شخص حقوقی خصوصی و چه شخص حقوقی عمومی، قائل نشده است. از طرف دیگر، در این قانون دولت به هیچ

وجه مستثنی نشده است. چون اگر قرار بود دولت از شمول این ماده قانونی خارج شود و از هر گونه پرداخت مبرا باشد حتماً قانون‌گذار آن را مطرح می‌کرد. چون هر گونه استثنا نیاز به بیان صریح قانون‌گذار دارد. همچنین، با مذاقه در متن رأی وحدت رویه یادشده مبرهن است که دامنه شمول آن مختص همان دوره و بودجه مصوب دولت در همان زمان است و تسری آن به دوران معاصر و گرفتن وحدت ملاک برای سایر دیون دولت به هیچ وجه معقول و منطقی نیست.

همان‌طور که می‌دانیم دستمزد پیمانکاران در اکثر قراردادهای اداری که با دولت منعقد می‌شود، به‌ویژه قراردادهای عمرانی شهرداری‌ها، بعد از چندین ماه به آن‌ها پرداخت می‌شود. حال اگر مبلغ قرارداد یک میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸ باشد و دو سال بعد دولت آن را پرداخت کند (با فرض تسویه کامل به صورت نقدی) آیا ارزش یک میلیارد تومان سال ۱۳۹۸ با یک میلیارد تومان سال ۱۴۰۰ برابر است؟ هرچند در قانون آیین دادرسی مدنی خسارت تأخیر تأدیه به دین و از نوع وجه رایج تعلق می‌گیرد، نمی‌توان واقعیت‌های اقتصادی جامعه ایران را دور از ذهن داشت. در مثال یادشده که پس از چندین ماه دستمزد پیمانکار پرداخت می‌شود مسلماً پیمانکار در پرداخت حقوق کارگران و تهیه ابزار و لوازم کار، بیمه، و ... با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو می‌شود. از همین منظر غالباً شاهد آن هستیم که پیمانکار، برای جبران این‌گونه خسارات، مبالغی بسیار بالاتر از مبلغ واقعی به دولت اعلام می‌کند. چون می‌داند دستمزد وی پس از چندین ماه یا چند سال پرداخت می‌شود و این امر خود سبب ایجاد تورم و شکل‌گیری قیمت‌های نجومی برای معاملات دولتی و عدم شفافیت مالی و در نهایت فساد اداری می‌شود. این در حالی است که در سال‌های اخیر تأکید فراوانی بر حمایت هر چه بیشتر از تولید داخلی و بخش خصوصی و پیمانکاران و تولیدکنندگان جزء شده است تا جایی که مقام معظم رهبری سال ۱۴۰۰ را سال «تولید، پشتیبانی‌ها، و مانع‌زدایی‌ها» نام گذارده‌اند تا از این طریق عزمی همگانی برای تسهیل فعالیت واحدهای تولیدی و صنعتی صورت پذیرد. اما اگر بنا باشد این مؤسسات و شرکت‌ها با دولت همکاری کنند، علاوه بر اینکه تسهیلاتی دریافت نمی‌کنند، باید هزینه‌های کار را از جیب خود پرداخت و چند ماه یا چند سال بعد معادل آن را دریافت کنند و اگر در این راه آسیب و خسارتی نیز به ایشان وارد شود، بر اساس قیمت زمان حادثه، خسارت دریافت کنند. مسلماً این امور بسیاری از مراکز مهم

صنعتی و تولیدی و پیمانکاران را از همکاری با دولت و نهادهای زیرمجموعه آن دلسرد می‌کند و سبب می‌شود ارتباط کاری دولت با عده‌ای معدود و محدود صورت پذیرد که این امر نیز سبب انحصار و شکل‌گیری بسیاری از روابط و در نهایت فساد اداری است. اگر پرداخت خسارت دولت به‌روز باشد و فوراً پس از حکم مراجع قضایی پرداخت خسارت صورت پذیرد نیازی به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه نیست. اما در برخی از مراجع دیده می‌شود که از زمان ثبت شکایت فرد تا زمان اجرای حکم و پرداخت از جانب دولت بعضاً چند سال زمان سپری می‌شود که مسلماً ارزش ریالی پول کشور با سال اول قابل مقایسه نیست. این امر از بدیهیات اقتصاد زمان حال ایران است و قانون‌گذار نیز در قانون جدید آیین دادرسی مدنی (۱۳۷۹) با در نظر گرفتن نابسامانی‌های اقتصادی «با تغییر مبنا و نگاهی وارونه نسبت به گذشته مبنای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه پول را در وجود تورم اقتصادی و گاه قدرت خرید پول قرار داده است» (ابهری و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۰).

از طرف دیگر، یکی از شروط درج‌شده در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی داشتن تمکن مالی مدیون و عدم پرداخت آن است. همان‌طور که می‌دانیم دولت به دلیل در اختیار داشتن بودجه عمومی و اخذ مالیات و اعمال تصدی‌گری و تجاری که انجام می‌دهد از درآمد کافی برخوردار است و می‌تواند بدهی افراد را در همان موقع تسویه کند. اما به دلیل بوروکراسی اداری و همچنین استدلال‌های ناصوابی که وجود دارد اقدام به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه نمی‌کند. حتی اگر بپذیریم که دولت توان کافی برای پرداخت در موعد مقرر ندارد، می‌تواند در بودجه سال بعد مبلغی را برای خسارات وارده به شهروندان و مؤسسات خصوصی و پیمانکاران در نظر بگیرد و از این طریق مبلغ مورد نظر را پرداخت کند. علاوه بر قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی برخی از دیگر قوانین و مقررات به صورت ضمنی وقوع خسارات ناشی از نوسانات اقتصادی را مدنظر داشته‌اند. مثلاً در قانون برنامه پنجم توسعه به نوعی خسارات ناشی از نوسانات ارزی پذیرفته شده است. چون قانون‌گذار شرکت بیمه ایران را موظف کرده در قبال نوسانات شدید ارزی تمهیداتی در نظر بگیرد.^{۱۱}

۳. فقه اسلامی و پرداخت خسارت تأخیر تأدیه توسط دولت

یکی از ویژگی‌های بارز فقه شیعه که سبب تمایز آن از سایر فرق اسلامی و همچنین سایر ادیان می‌شود در نظر گرفتن اقتضانات روز است که سبب پویایی و مانایی آن شده و از طرفی

سبب شده در هر برهه‌ای از زمان قابلیت استفاده داشته باشد. از زاویه‌ای دیگر اهمیت مال مسلمان و حرمت آن مکرراً در فقه شیعه مورد توجه علما و فقهای اسلامی بوده که این امر نشئت‌گرفته از سیره نبوی و ائمه معصومین^(ع) است و در بسیاری از روایات حرمت مال مسلمان مورد تأکید قرار گرفته و هر گونه آسیب و خسران به اموال ایشان دارای مجازات دنیوی (پرداخت خسارت) و اخروی دانسته شده و حتی اگر عمدی در وقوع خسارت وجود نداشته نباشد باز هم بر اساس قاعده فقهی تسبیب فرد مکلف به جبران خسارت است. با نگاهی به سایر احادیث و قواعد فقهی، لزوم جبران کامل خسارت ضروری به نظر می‌رسد. یکی از این موارد قاعده لاضرر است که یکی از قواعد فقهی مهم و بر مبنای حدیث نبوی «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» (الحرالعاملی، بی تا، ج ۶: ۲۶۴) است؛ در اسلام هیچ ضرری پذیرفته نیست و باید جبران خسارت به صورت کامل انجام پذیرد. از این منظر برخی از فقها و مراجع محترم تقلید در استفتائاتی که از ایشان صورت پذیرفته پرداخت تأخیر تأدیه را به خاطر کاهش ارزش پول رایج کشور مجاز دانسته‌اند و «فقها این نکته را پذیرفته‌اند که اگر کسی اسکناس را قرض دهد، سپس از اعتبار ساقط شود، مدیون باید ارزش آن اسکناس قبل از سقوط از اعتبار را بپردازد. این حکم نه تنها بر سقوط کلی و پوچ شدن اسکناس بلکه بر سقوط جزئی نیز حاکم است و مدیون باید ارزش معادل جزء ساقط‌شده را نیز به همراه اصل دین پرداخت نماید.» (مقصودی و داودی، ۱۳۹۴: ۲۶) و «کسانی چون شهید صدر به نوعی توافق بر خسارات مسئولیت خسارت ناشی از کاهش ارزش پول و همچنین جواز پرداخت پول بر اساس ارزش زمان پرداخت را پذیرفته‌اند» (صدر، ۱۴۰۳ ق: ۱۷۴؛ صدر، ۱۳۹۹ ق: ۱۹؛ مقصودی و داودی، ۱۳۹۴: ۲۳). بیشتر فقها معتقدند «در صورت وجود تورم شدید و عدم پرداخت بدهی از سوی مدیون در موعد مقرر پرداخت پولی با همان ارزش اسمی موجب وفای به عهد ایشان نمی‌شود و باید بر اساس وضع حاضر محاسبه و پرداخت گردد» (غریبه، ۱۳۸۷: ۵۰). چون پرداخت خسارت بر مبنای زمان وقوع خسارت با توجه به شرایط ناآباید اقتصادی معاصر سبب ورود ضرر و خسارت به افراد می‌شود. در ادامه به استفتاء صورت‌پذیرفته از جانب کارمند یکی از سازمان‌های دولتی از برخی مراجع محترم اشاره می‌شود. در استفتائی که از مقام معظم رهبری صورت پذیرفته فردی اعلام کرده کارمند سازمان ... است و مطالبات وی شامل حقوق و مزایا از سال ۱۳۹۰ تا کنون پرداخت نشده است

و با گذشت ده سال سازمان به ایشان اعلام کرده که مطالبات نام‌برده بر اساس سال ۱۳۹۰ محاسبه و پرداخت خواهد شد که مبلغ در سال ۱۳۹۰ با سال ۱۴۰۰ تفاوت فاحشی دارد و استفتاء کرده که «آیا از نظر شرع مقدس اسلام سازمان ... مدیون کارمند می‌شود یا خیر؟». در پاسخ معظم له اعلام کرده‌اند: «میزان در این‌گونه امور قوانین و مقررات مربوط است و باید طبق آن عمل شود و اگر قانونی وجود ندارد تنزل ارزش پول باید در نظر گرفته شود».^{۱۲} در استفتای دیگری از آیت‌الله علوی گرگانی، معظم له در پاسخ بیان کرده است: «با توجه به کاهش فاحش ارزش پول ملی در طول ده سال باید مصالحه به مبلغ منصفانه روز شود و سازمان ... مدیون خواهد بود».^{۱۳} همین استفتا از آیت‌الله مکارم شیرازی نیز شده و معظم له در پاسخ بیان کرده است: «چنانچه در این مدت تورم شدید بوده لازم است بدهی خود را با توجه به نرخ متوسط اجناس مختلف محاسبه و پرداخت کند و غالباً می‌توان نرخ تورم سال‌های مختلف را از بانک مرکزی گرفت».^{۱۴} تدقیق در نظرات آیات عظام نشان‌دهنده جواز به‌روزرسانی میزان خسارات پرداختی توسط دولت است.

پس از اظهارات و نظرات گاه متناقض و متفاوت در زمینه خسارت تأخیر تأدیه از جانب برخی از فقها، سرانجام، پرداخت خسارت تأخیر تأدیه در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی پذیرفته شد. هرچند شورای نگهبان «بدواً اخذ هر نوع خسارت تأخیر تأدیه را مغایر شرع و حرام اعلام نمودند، ولی مدتی بعد به دلیل رشد روزافزون نقدینگی و افزایش تورم و خسارتی که با تأخیر متعهد در پرداخت تعهد نقدی خود متوجه متعهد می‌کرد، علی‌الخصوص در امور بانکی، شورای نگهبان را وادار به تجدیدنظر و پذیرش خسارت تأخیر تأدیه نمود» (احمری و ذکائیان، ۱۳۹۱: ۳۱) و ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی «خسارت تأخیر تأدیه را به صورت یک قاعده عمومی معرفی کرده است» (ابهری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵) و این ماده اشعار می‌دارد: «در دعاوی‌ای که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه دائن و تمکن مدیون مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالیانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالیانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد؛ مگر اینکه طرفین به نحوه دیگر مصالحه نمایند».

۴. دولت و دریافت خسارت تأخیر تأدیه

در حال حاضر و طبق رویه موجود دولت و نهادهای زیرمجموعه آن در صورت وقوع خسارت از جانب شهروندان به دولت و اموال دولتی یا جریمه برای برخی از تخلفات و ترک فعل‌ها بر مبنای قیمت روز برآورد خسارات یا جریمه می‌کنند. در این زمینه رویه سازمان تأمین اجتماعی را می‌توان مثال زد. اگر فردی بخواهد دوره خدمت سربازی را بر سوابق بیمه خود اضافه کند باید بر اساس میزان حقوق دریافتی زمان پرداخت به سازمان مبلغی را پرداخت کند؛ نه زمانی که خدمت سربازی کرده یا زمانی که تحت شمول بیمه تأمین اجتماعی قرار گرفته است. همچنین کسورات بیمه تأمین اجتماعی برای زمان بازنشستگی نیز به نرخ روز حساب می‌شود نه زمانی که بیمه‌شده از پرداخت امتناع کرده یا کارفرما حق بیمه او را پرداخت نکرده است. امروزه همه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دولتی که به شهروندان وام‌های بانکی پرداخت می‌کنند برای دیرتر پرداخت شدن اقساط بانکی از ناحیه شهروندان جریمه در نظر گرفته‌اند که غالباً به صورت پلکانی افزایش می‌یابد و فرد علاوه بر پرداخت اقساط باید جریمه دیرکرد آن را نیز پرداخت کند. در موارد دیگر نیز قانون‌گذار لزوم تعدیل مبالغ پرداختی را ضروری تلقی کرده است. در جایی که مهریه زوجه و وجه رایج است زوج را مکلف به پرداخت مهریه بر اساس نرخ روز و شاخص‌های ارائه‌شده توسط بانک مرکزی دانسته است^{۱۵} و در صورت مطالبه زوجه زوج باید نرخ جدید مهریه را پرداخت کند نه آنچه در زمان عقد به عنوان مهر مشخص شده بود. در این زمینه هر سال بانک مرکزی «اعداد شاخه سالیانه جهت محاسبه میزان مهریه به وجه رایج و اعداد شاخص ماهیانه جهت محاسبه تأخیر تأدیه» را به قوه قضاییه اعلام می‌کند.^{۱۶}

در خصوص اخذ خسارت تأخیر تأدیه از جانب دولت قوانین و مقررات دیگری وجود دارد که قابل تأمل است؛ مثلاً مصوبه هیئت وزیران با عنوان «مهلت و نحوه تقسیط بدهی اشخاص به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و خسارت تأخیر تأدیه»^{۱۷} که در آن برای موضوع عنوان مصوبه شرایط زمانی را بیان کرده‌اند و در ماده ۴ آمده «در صورتی که بدهی در پایان مهلت یا اقساط آن در سررسید پرداخت نشود از تاریخ تأخیر در پرداخت صدی دوازده در سال خسارت تأخیر تأدیه صورت خواهد گرفت» و در ماده ۷ آمده در مواردی که برای تقسیط بدهی یا خسارت تأخیر تأدیه طبق مقررات مربوطه تعیین تکلیف شود یا طبق احکام دادگاه‌ها

در مورد خسارت تأخیر تأدیه ترتیبی مشخص شده باشد این مقررات اجرا خواهد شد. سؤالی که به ذهن خطور می‌کند این است که چگونه دولت برای عدم پرداخت به موقع شهروندان آنان را جریمه و مطالبات خود را به نرخ روز و با محاسبه میزان تأخیر تأدیه دریافت می‌کند، اما، همین دولت برای پرداخت مطالبات شهروندان خسارت تأخیر تأدیه را قبول ندارد و از پرداخت آن امتناع می‌کند؟ مگر دارایی و مطالبات دولت ارزشی بالاتر و والاتر از مطالبات و دارایی شهروندان دارد؟

نتیجه‌گیری

تغییرات اقتصادی و اجتماعی دهه اخیر کشور و بیان قانون‌گذار به صورت مطلق اعم از شخصیت حقیقی یا حقوقی در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و طرح امکان دریافت خسارت تأخیر تأدیه در این ماده و همچنین رعایت هر چه بیشتر حقوق شهروندی، اصل عدالت و انصاف، اصل عدم تبعیض، اصل لزوم جبران خسارت و برابری شهروندان در تحمل هزینه‌های عمومی ایجاب می‌کند خسارات وارده از ناحیه دولت به شهروندان بر مبنای قیمت روز محاسبه و پرداخت شود. نظر فقهی بسیاری از مراجع تقلید نیز بر همین امر تأکید دارد تا از این طریق به بهترین نحو ممکن خسارات وارده به اشخاص جبران شود. برخی از مراجع قضایی نیز اخیراً به صورت محدود اقدام به صدور آرای مبنی بر محکومیت دولت به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه کرده‌اند که به نوعی صحنه گذاشتن بر لزوم پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از جانب دولت و از منظری دیگر متروک بودن رأی وحدت رویه سال ۱۳۴۸ است. اما مهم‌ترین وظیفه در این خصوص بر عهده دیوان عدالت اداری در مقام عالی‌ترین مرجع رسیدگی به شکایات مردم علیه دولت و سازمان‌ها و نهادهای اداری کشور است که می‌تواند آغازکننده این مهم باشد و در آرای خود جبران خسارات وارده بر مبنای شرایط اقتصادی زمان اجرای حکم را ملاک بداند تا شعب دادگاه‌های عمومی به هنگام محاسبه خسارات وارده بر مبنای قیمت عادلانه زمان اجرای حکم اقدام کنند نه زمان وقوع خسارت از ناحیه دولت. در رویه جاری بسیاری از مراجع قضایی به‌ویژه دیوان عدالت اداری به منزله عالی‌ترین مرجع نظارت بر عملکرد دولت و دستگاه‌های دولتی و در مقام مدافع حقوق شهروندان در برابر اداره پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به شهروندان جایگاهی ندارد و مکرراً پرداخت این‌گونه خسارات از ناحیه ایشان منتفی دانسته شده است و غالباً تغییرات اقتصادی و نوسانات بازار را

خارج از اراده دولت تصور و شکایاتی که از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران یا برخی از وزارتخانه‌ها، مانند وزارت سمت، شده را رد کرده‌اند. این در حالی است که اگر با دید وسیع‌تری به موضوع بنگریم مبرهن است که تحولات شدید اقتصادی و نوسانات بازار نیز تا حدود بسیاری ناشی از ناتوانی دولت در کنترل بازار و عملکرد ناصحیح در حوزه اقتصاد است و سیاست‌گذاری و تصمیمات ناصواب برخی از دولت‌های دهه اخیر سبب وضع موجود شده و نوسانات اقتصادی شدید را به بار آورده است و اگر از این حیث خسارتی به شهروندان وارد شود دولت، چه به صورت مستقیم چه به صورت غیر مستقیم، مسئول است. با توجه به موارد بیان‌شده در این تحقیق، بدیهی است که هم فقه اسلامی و مراجع محترم تقلید هم قانون‌گذار خواستار جبران خسارات شهروندان به بهترین و کامل‌ترین نحو ممکن هستند و بدین منظور هم در استفتائات صورت‌پذیرفته از مراجع هم در بسیاری از قوانین و مقررات موضوع خسارت تأخیر تأدیه با در نظر گرفتن شرایط نامساعد اقتصادی و تورم و نوسانات بازار به رسمیت شناخته شده است که این موضوع ریشه در شرایط نامساعد اقتصادی کشور دارد. مسلماً اگر نظام اقتصادی کشور همانند سایر کشورها از ثبات بالایی برخوردار بود و پول ملی طی سالیان متمادی ارزش ثابت و پایداری داشت و بهای اموال و خدمات در حال افزایش پیوسته نبود، لزوم پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از جانب دولت به شهروندان یا شهروندان به یک‌دیگر ضرورت چندانی پیدا نمی‌کرد. اما جهش سریع قیمت‌ها و خساراتی که از این باب به افراد وارد می‌شود ضرورت پرداخت خسارت تأخیر تأدیه را لاجرم می‌کند.

یادداشت‌ها

۱. تبصره ماده ۱۰ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: از ابتدای اجرای قانون برنامه بدهی‌هایی که توسط دولت ایجاد و مراحل حسابرسی را در مراجع معتبر طی کرده و قطعی شده و از هیچ‌گونه افزایشی بابت عدم پرداخت برخوردار نشده باشند تا زمان پرداخت بدهی توسط دولت از سودی معادل نرخ تورم تا حداکثر نرخ سود سپرده اعلام‌شده توسط بانک مرکزی برخوردار می‌شوند. در قراردادهای مربوط باید بندی اضافه شود که به موجب آن دولت ملتزم شود در صورت عدم پرداخت بدهی خود در زمان مقرر معادل نرخ مذکور را به طلبکار بپردازد.
۲. اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۳. بخشی از مقدمه قانون اساسی.

4. equality before the law



5. nondiscrimination

6. fairness and justice

۷. ... در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.

۸. امور حاکمیتی آن دسته از امور است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه می‌شود و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود؛ از قبیل: الف) سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، و نظارت در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی، ب) برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و بازتوزیع درآمد، ج) ایجاد فضای سالم برای رقابت و جلوگیری از انحصار و تضییع حقوق مردم، د) فراهم کردن زمینه‌ها و مزیت‌های لازم برای رشد و توسعه کشور و رفع فقر و بی‌کاری، ه) قانون‌گذاری، امور ثبتی، استقرار نظم و امنیت، و اداره امور قضایی، و حفظ تمامیت ارضی کشور و ایجاد آمادگی دفاعی و دفاع ملی، ز) ترویج اخلاق، فرهنگ، و مبانی اسلامی و صیانت از هویت ایرانی-اسلامی، ح) اداره امور داخلی، مالی عمومی، تنظیم روابط کار و روابط خارجی، ط) حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی، ی) تحقیقات بنیادی، آمار، و اطلاعات ملی و مدیریت کشور، ک) ارتقای بهداشت و آموزش عمومی، کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها و آفت‌های واگیر، مقابله و کاهش آثار حوادث طبیعی و بحران‌های عمومی، ل) بخشی از امور مندرج در مواد ۹ و ۱۰ و ۱۱ این قانون نظیر موارد یادشده در اصول ۲۹ و ۳۰ قانون اساسی که انجام دادن آن توسط بخش خصوصی و تعاونی و نهادهای و مؤسسات عمومی غیر دولتی با تأیید هیئت وزیران امکان‌پذیر نیست، م) سایر مواردی که با رعایت سیاست‌های کلی مصوب مقام معظم رهبری به موجب قانون اساسی در قوانین عادی جزء این امور قرار می‌گیرد.

9. equality in bearing public expenses

۱۰. رأی وحدت رویه شماره ۱۵۶، مورخ ۱۳۴۸/۰۱/۲۰ : ... اما نسبت به موضوع خسارت تأخیر تأدیبه مابه‌التفاوت مورد بحث، نظر به اینکه برقراری و پرداخت حقوق مستخدمین که دولت در مقام اجرای قوانین استخدامی مکلف به انجام آن است، با معاملات دولت و همچنین معاملات و تعهدات اشخاص متمایز و متفاوت است، تأخیر در انجام آن مشمول فصل سوم از باب دهم قانون آیین دادرسی مدنی نمی‌باشد و مستلزم تأدیبه خسارت تأخیر نیست. لذا رأی شعبه پنجم دیوان عالی کشور که مبنی بر رد دعوی مطالبه خسارت تأخیر تأدیبه صادر شده است نتیجتاً تأیید می‌گردد. این رأی طبق ماده واحده قانون راجع به وحدت رویه مصوب تیرماه ۱۳۲۸ در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

۱۱. به منظور کاهش خطرپذیری ناشی از نوسانات قیمت‌ها، از جمله نوسانات نرخ ارز برای واحدهای تولیدی صادراتی، بیمه مرکزی ایران از طریق شرکت‌های تجاری بیمه امکان ارائه خدمات بیمه‌ای مربوط به نوسانات قیمت‌ها و نوسانات نرخ ارز را فراهم آورد (ماده ۷۲).

۱۲. مشابه این استفتا، در تاریخ ۱۳۷۵/۰۷/۲۹، طی نامه شماره ۱۹/۳۴۳۰۳، از جانب رئیس دادگستری استان تهران از ایشان شده است: «نظر به اینکه ماده ۱۲ قانون صدور چک گرفتن وجهی به عنوان خسارت تأخیر تأدیبه را مجاز می‌شمارد که لازمه آن گرفتن مبلغی بیش از اصل دین می‌باشد و از سویی قانون مزبور، که در سال ۱۳۵۵ تصویب

شده است، در سال ۱۳۷۲ در مجلس شورای اسلامی مطرح و برخی از مواد آن اصلاح گردیده و به تأیید شورای نگهبان رسیده است، علی‌هذا، مستدعی است نظر مبارک را در مورد اینکه آیا گرفتن خسارت تأخیر تأدیه طبق قانون فوق مشروعیّت دارد یا از مصادیق ربا می‌باشد اعلام فرمایید». در پاسخ بیان داشته‌اند: «بسمه تعالی، خسارت ناشی از تأخیر تأدیه بدهی اگر ثابت شود که مستند به تأخیر تأدیه است در ضمان بدهکار است و حکم ربا ندارد و در هر صورت حکم مستند به قانون مصوب مجلس شورای اسلامی که به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده باشد بی‌اشکال و قابل اجرا هست.» (به نقل از روزنامه اطلاعات/۱۳۷۸/۰۲/۰۲ و همچنین وبسایت مؤسسه آموزش و تحقیقات کاربردی فقه اقتصادی (tyb.ir)). در استفتای جدیدی در خصوص شرط دریافت خسارت تأخیر تأدیه ارزی در عقود و قراردادهای فروش صادرات محصولات نفتی و پتروشیمی نیز از ایشان پرسیده شده: «آیا دریافت خسارت تأخیر ارزی به شرح فوق از خریداران کالای صادراتی تولیدی شرکت‌های ایرانی مغایر شرع انور است؟». در پاسخ فرموده‌اند: «چنانچه در ضمن عقد لازم شرط شود اگر یکی از طرفین در موعد مقرر به تعهد اعم از انجام کار یا پرداخت مبلغ عمل نکند باید در مقابل تخلف از شرط مقدار معینی به طرف مقابل بپردازد، شرط صحیح و لازم‌الاجراست. البته شرط مذکور در مورد تخلف از پرداخت پول در تاریخ مقرر نباید به معنای تمدید مهلت پرداخت باشد، وگرنه در حکم ربا و حرام است.» (شماره استفتاء: ۹۷۶kyyy، به تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۲ و به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام رهبری (leader.ir) و همچنین (tasnimnews.com/fa/news/1400/02/14/2496828).

۱۳. نامه واصله به دفتر معظم‌له به شماره ۱۶۸۶۹ مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۶.

۱۴. نامه واصله به دفتر معظم‌له به شماره ۶۶۰۹۵۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۲.

۱۵. ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ ماده قانون مدنی.

۱۶. برای نمونه رجوع شود به نامه شماره ۱۳۹۹/۶۰/۲۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۱۰ رئیس کل بانک مرکزی به رئیس قوه قضاییه.

۱۷. آیین‌نامه اجرایی ماده ۴۷ قانون محاسبات کشور به شماره ۲۳۸۲۴ ت ۳۳۱۶۰ ه مورخ ۱۳۸۳/۰۵/۱۱.

منابع

- ابهری، ح.، فرزندگان، م. و ظهوری، س. (۱۳۹۶). «قواعد و شرایط حاکم بر مطالبه خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا. مطالعات حقوق تطبیقی، ۸(۱).
- الحرالعاملی، ش. م. ب. ا. وسایل الشیعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- احمری، ح. و ذکائیان، پ. (۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در فقه امامیه و قانون ایران و کنوانسیون ۱۹۸۰ وین». پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی. ۹ (۳۰).
- امامی، م. و موسوی، س. ن. (۱۳۹۱). درآمدی بر بنیادهای حقوق اساسی و نظام‌های سیاسی. تهران: میزان.
- پنج‌تنی، س. م. (۱۳۹۰). «خسارت؛ وجه التزام؛ خسارت تأخیر تأدیه». *کانون*، (۱۱۸).
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۴۰۰). *اجوبه الاستفتائات*. انتشارات انقلاب اسلامی.
- خسروی، ح. و حسینی، م. ج. (۱۳۹۹). «جلوه‌های آزادی، برابری، و کرامت انسانی در حقوق اداری از نظر تا عمل». *نظریه‌های حقوقی*، (۲).
- خسروی، ح. و حسینی، م. ج. (۱۳۹۹). «سرآغازی بر حقوق بشر اداری». *پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، ۲ (۵).
- خمینی، س. ر. (۱۳۷۵). *استفتائات*. قم: انتشارات اسلامی قم.
- سلطانی‌رنانی، م. (۱۳۸۵). «نگاهی تطبیقی به جبران خسارت تأخیر تأدیه در فقه و حقوق». *کاوشی نو در فقه اسلامی*، (۵۰).
- صدر، س. م. ب. (۱۴۰۳). *البنک اللاربوی*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- صدر، س. م. ب. (۱۳۹۹). *الاسلام یقود الاحیاء*. شماره ۶، الاسس العامله للبنک فی المجتمع الاسلامی، بیروت: دارالمعارف.
- غریبه، ع. (۱۳۸۷). «بررسی فقهی- حقوقی قابلیت مطالبه میزان کاهش ارزش پول و خسارت تأخیر تأدیه». *فقه و تاریخ تمدن*، ۴ (۱۶).
- قاضی شریعت‌پناهی، س. ا. (۱۳۸۲). *بایسته‌های حقوق اساسی*. تهران: میزان.
- محمودی، ج. (۱۳۹۰). *حقوق اداری تطبیقی؛ نظارت قضایی بر مقررات دولتی در انگلستان و فرانسه*. تهران: جنگل جاودانه.
- مقصودی، ر. و داودی، ح. (۱۳۹۴). «توافق بر خسارت تأخیر تأدیه با تأکید بر رویه قضایی». *رای: مطالعات آرای قضایی*، (۱۳).

هداوند، م. (۱۳۹۶). *حقوق اداری تطبیقی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.

References

- Abhari, H., Farzangan, M. & Zahouri, S. (2016). Rules and Clauses Governing the Claim for Late Payment Damages in the Iranian Law and the Convention on Contracts for the International Sale of Goods. *Comparative Law Review*, 8 (1).
- Ahmari, H., Zakaian, P. (2013). Comparative Study of Payment Demur Compensation in Imamiyeh Jurisprudence. Iran's Law and Vienna 1980 Convention. *Journal of Islamic Law and Jurisprudence Researches*, 9 (30).
- Al-Haral al-Aamili. *Sheikh Muhammad ibn al-Hassan*. Vasayel Shia'a, vol. 6, Beirut: Darahiya al-Tarath al-Arabi. (In Persian)
- Emami, M., Mousavi, S. N. (2012). *Dar Amadi bar Bonyadhaye Hoghoogh Asasi va Nezam'have Siasi*. Tehran: Mizan Publishing House. (In Persian)
- Gharibeh, A. (2007). jurisprudential review of the ability to demand the amount of monetary depreciation and late payment damages. *Jurisprudence and History of Civilization Quarterly*, 4 (16). (In Persian)
- Hedavand, M. (2016). *Comparative Administrative Law*. second volume. Tehran: Humanities Books Study and Compilation Organization. (In Persian)
- Khamenei, S. A. (1400). *Ajuba al-Istaftaat*. 13th edition. Islamic Revolution Publishing House. (In Persian)
- Khomeini, S. R. (1375). *Istftaaat*. second volume. Qom: Islamic Publications of Qom. (In Persian)
- Khosravi, H., Hosseini, M. J. (2019). An introduction to administrative human rights. *Journal of Modern Research on Administrative Law*, 2 (5).
- Mahmoudi, J. (2010). *Comparative Administrative Law; Judicial supervision of government regulations in England and France*. Tehran: Jangal-Javadaneh. (In Persian)
- Maqsoudi, R., Davoudi, H. (2014). Agreeing on the damage of payment delay with emphasis on judicial procedure, *Opinion Quarterly: Studies of Judicial Opinions*, (13). (In Persian)
- Panjtani, S. M. (2013). damage; Obligation; Late Payment Compensation (Khesarate Takhir Ta'adie), *Kanon Monthly*, (118). (In Persian)
- Qazi Shariat-Panahi, Seyedaboulfazl (2012). *Basic Rights Requirements*. Tehran: Mizan Publishing. (In Persian)
- Sadr, S. M. B. (1399). *Al-Islam Yaqud Al-Ahiya*. Vol. 6. Al-Aass Umila Al-Bank fi al-Mujabaat al-Islami, Beirut: Dar al-Maarif. (In Persian)

Sadr, S. M. B. (1403). *Al-Bank Al-Laraboi*. Beirut: Dar al-Taarif for Press.
(In Persian)

Soltani Renani, M. (2016). *Negahi Tatbighi be Jobrane Khesarate Takhir Ta'adie dar Fiqh va Hoghoogh. New Exploration in Islamic Jurisprudence.* (50). (In Persian)